

مطالعه تطبیقی تعهدات دولت‌ها مندرج در «کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کلیه اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری» با حقوق ایران

سید احمد طباطبایی

استاد یار دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

sataba@ut.ac.ir

سمانه سادات حسینی یزدی

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

s.s.hoseini.65@gmail.com

سمانه سادات حسینی شرامه کتی

کارشناس حقوق

hosseini@yahoo.com

چکیده

حمایت از اشخاص در برابر ناپدید سازی اجباری به صورت اجمالی در برخی معاهدات و اسناد بین‌المللی حقوق بشری از جمله قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل طرح گردیده بود. تا اینکه "کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری" در شش فوریه ۲۰۰۷ برای امضای کشورها در پاریس مفتوح گردید و از تاریخ ۲۳ دسامبر سال ۲۰۱۰ لازم‌الاجرا گردید. محور اصلی این مقاله، بررسی تعهدات کشورهای عضو از جمله جرم‌انگاری ناپدید سازی، تعقیب و محاکمه متهمین به ارتکاب این جرم، عدم بازداشت مخفی و اطلاع رسانی شفاف در خصوص افراد مورد حمایت و تطبیق این تعهدات با قوانین و مقررات حقوق داخلی ایران می‌باشد. از تحقیق حاضر، این نتیجه حاصل می‌شود که در بیشتر موارد، حقوق ایران در تضاد با تعهدات فوق نمی‌باشد و بالعکس در موارد متعدد تطابق وجود دارد. به طور مشخص، در خصوص الزامات حقوق بشری ذکر شده در کنوانسیون از جمله عدم بازداشت مخفی، غیرقانونی و خودسرانه، لزوم محاکمه عادلانه و به دور از هر گونه شکنجه، حق اطلاع به

خانواده و حق دسترسی به وکیل و دریافت غرامت در ایران قوانین مشابهی وجود دارد، اما به طور خاص و مستقیم، در رابطه با جرم انگاری این تخلف و محاکمه بزهکاران، قوانینی وضع نشده است. در نهایت می توان با قانونگذاری مناسب، همسان سازی لازم با تعهدات مندرج در کنوانسیون را ایجاد نمود.

کلیدواژه: ناپدید سازی اجباری، محرومیت از آزادی، حقوق بشر، حقوق متهم، حقوق ایران.

حمایت از اشخاص در برابر ناپدید سازی های اجباری به صورت غیر مستقیم و اجمالی در معاهدات و اسناد بین المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل (۱۹۴۸) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تحت عنوان حق حیات، حق آزادی و حقوق بازداشت شدگان مورد توجه قرار گرفته است.^۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن تاکید بر حق زندگی و آزادی و امنیت شخصی (ماده ۳) و تاکید بر حق دسترسی به محکمه صالح (ماده ۸)، اعلام می دارد که "احدی را نمی توان خود سرانه توقیف حبس یا تبعید نمود" (ماده ۹). ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز بر منع محروم نمودن خود سرانه افراد از زندگی تاکید نموده است. از مجموعه مقررات فوق اجمالاً می توان منع ناپدید سازی اجباری را استنباط نمود. اما این مقررات تمامی ابعاد را پوشش نمی داد و برای مقابله موثر با پدیده ناپدید سازی نیاز به تدوین مقررات جامع و مستقل در جامعه بین المللی احساس گردید.

تلاشهای سازمان ملل در جهت توسعه و تقویت این حق منجر به تصویب قطعنامه ها و اعلامیه های متعددی در خصوص ناپدید سازی گردید. قطعنامه مجمع عمومی در سال ۱۹۷۸ ضمن درخواست از کشورها برای مقابله با ناپدید سازی های اجباری، از کمیسیون حقوق بشر می خواست که این مساله را در دستور کار خود قرار دهد.^۲ در سال ۱۹۸۰ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مبادرت به تشکیل کار گروه پنج نفره در مورد ناپدید شدگان اجباری نمود و در سال ۱۹۹۲ اعلامیه ملل متحد در خصوص حمایت از کلیه افراد در برابر ناپدید شدن اجباری به تصویب رسید.^۳

در گام بعدی تلاشها برای تدوین کنوانسیون مستقلی در خصوص ناپدید شدن اجباری آغاز گردید و پیش نویس کنوانسیون در آگوست ۱۹۹۸ تقدیم کمیسیون حقوق بشر گردید (کاظمی، ۶۵، ۱۳۸۴). مفاد کنوانسیون در بیست و یکمین اجلاس شورای حقوق بشر (کمیسیون حقوق بشر سابق) در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ بدون رای گیری تصویب گردید و

^۱ در مقدمه کنوانسیون بین المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری، به این اسناد بین المللی اشاره گردیده است.

^۲ General Assembly Resolution 33/173, 20 December 1978.

^۳ General Assembly Resolution 47/133, 18 December 1992.

طی گزارشی برای تصویب به مجمع عمومی توصیه گردید. در نهایت "کنوانسیون بین المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری" در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶ در قالب قطعنامه مجمع عمومی در شصت و یکمین اجلاس مجمع به تصویب رسید.^۱

تا مارس ۲۰۲۱ تعداد ۹۸ کشور کنوانسیون را امضا نموده و ۶۳ کشور آن را تصویب نموده اند و یا به آن ملحق شده اند.^۲ قابل ذکر می باشد که کشورهای مهمی مانند آمریکا، کانادا، انگلیس، روسیه و چین کنوانسیون را نه امضا نموده و نه به آن پیوسته اند. جمهوری اسلامی ایران نیز کنوانسیون را تاکنون امضا نموده است.

خانم لوئیس آربور،^۳ کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در مقاله خود به مناسبت تصویب کنوانسیون ناپدید شدن های اجباری بیان می دارد: «با لازم الاجرا شدن این کنوانسیون، یکی از خلأهای قانونی مهم در زمینه قانونگذاری حقوق بشر در قبال پیکار علیه ناپیدید اجباری اشخاص، به عنوان یکی از شدیدترین جرائم غم بار در عرصه بین المللی، برطرف شده است.»^۴

کنوانسیون دارای سه بخش می باشد که بخش اول بر تعهدات کشورهای عضو و بخش دوم در خصوص نقش کمیته مربوط به ناپدید شدن های اجباری و بخش سوم مربوط به مقررات پایانی از جمله نحوه امضا، تصویب و شیوه حل اختلاف می باشد. محور اصلی این مقاله مطالعه بخش اول کنوانسیون یعنی تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون می باشد سپس مقایسه آن با قوانین داخلی ایران و بررسی موانع و خلأهای قانونی و چالش های احتمالی پیوستن ایران به این کنوانسیون می باشد. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا تعهدات ذکر شده در کنوانسیون با قوانین داخلی ایران همسو و سازگار می باشد یا مغایرت دارد؟ در این مقاله فرض اصلی این است که قوانین موجود در ایران تا حد زیادی با تعهدات ذکر شده دولتها در کنوانسیون منطبق است. هرچند ایران هنوز به این کنوانسیون

1. General Assembly Resolution /61/177

2. https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-16&chapter=4&clang=_en

3. Louise Arbour

4. <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=36856&Cr=human&Cr1=rights>.

نیپوسته ولی می توان با تصویب قوانین داخلی مناسب، هماهنگی و هارمونی لازم با تعهدات مندرج در کنوانسیون را ایجاد نمود.

۲. تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون

کنوانسیون تعهدات وسیعی را از جمله، عدم بازداشت مخفی، جرم انگاری ناپدید سازی، تعقیب و محاکمه متهمین به ارتکاب این جرم، اطلاع رسانی شفاف در خصوص افراد مورد حمایت و همکاری قضایی در خصوص استرداد متهمین برای کشورهای عضو تعیین نموده است.

۲,۱ منع ناپدیدسازی اجباری

بر اساس ماده ۱ کنوانسیون: "هیچکس نباید در معرض ناپدید شدن اجباری قرار گیرد." و "هیچ موقعیت استثنایی، اعم از حالت جنگ یا تهدید جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی یا هر حالت اضطراری عمومی دیگری نمی تواند وسیله توجیه ناپدید شدن اجباری باشد."

در بیشتر معاهدات بین المللی حقوق بشری استثناهایی از قبیل امنیت ملی، اخلاق حسنه و جنگ پیش بینی گردیده که در این وضعیت وحالات کشورهای عضو معاهدات، متعهد به اجرای بعضی از مقررات این معاهدات نمی باشند. اما در خصوص کنوانسیون ناپدید سازی هیچ یک از این حالات پیش بینی نگردیده است. بالعکس کنوانسیون هر نوع استثنایی را با صراحت رد می نماید.

۲,۱,۱ مفهوم ناپدید سازی اجباری

ماده ۲ کنوانسیون، ناپدید سازی اجباری را چنین تعریف می نماید:
از نظر این کنوانسیون منظور از "ناپدید سازی اجباری"، توقیف، بازداشت، ربودن یا هر شکل دیگر محرومیت از آزادی به وسیله ماموران دولت یا اشخاص یا گروههای اشخاص است که با مجوز، حمایت یا رضایت و عدم مخالفت دولت انجام می شود و سپس باخودداری از ارائه اطلاعات در خصوص محرومیت از آزادی یا با کتمان سرنوشت یا مکان شخص ناپدید شده، وی را خارج از حمایت قانون قرار می دهد.

در اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی، "ناپدید سازی" تعریف نشده بود، اما اساسنامه دیوان کیفری بین المللی^۱ قبل از کنوانسیون، در ماده ۷ خود جرم ناپدید سازی اجباری را یکی از مصادیق جرائم علیه بشریت اعلام نموده و تعریف نموده است. از نگاه حقوقی، تفاوت اساسی بین این کنوانسیون و اساسنامه در این است که در صورتی که جرم ناپدید سازی به طور گسترده یا سیستماتیک انجام شود دیوان کیفری صلاحیت رسیدگی دارد. در حالیکه بر اساس کنوانسیون با تحقق حتی یک مورد ناپدید سازی، محاکم داخلی صلاحیت و وظیفه رسیدگی را دارند. (McCrorry, 2007, 551)

در مقدمه اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی و مقدمه کنوانسیون به حقوق بشر دو ستانه تاکید شده است. بر اساس بند ۲ ماده ۱ هیچ موقعیت استثنایی، اعم از حالت جنگ یا تهدید جنگ، نمی تواند و سیله توجیه ناپدید شدن اجباری باشد. بنا براین در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین المللی نیز مفاد کنوانسیون باید اجرا گردد. برخی از نویسندگان به ویژگی و ماهیت حقوق بشر دو ستانه "منع ناپدید سازی" توجه نموده و معتقدند که قبل از به وجود آمدن کنوانسیون ناپدید سازی اجباری، حقوق بین الملل این عمل را جرم انگاری نموده است. (Finucane, 2010, 172)

در خصوص تعهدات کشورها دو ملاحظه مهم دیگر در کنوانسیون مورد تاکید قرار گرفته است. بر اساس ماده ۳۷ اگر در قوانین داخلی و یا تعهدات بین المللی کشور عضو، در زمینه حمایت از اشخاص در برابر ناپدید سازی اجباری، مقررات موثرتری وجود داشته باشد، باید اولویت داشته باشند و کنوانسیون ناسخ آنها نخواهد بود. همچنین بر طبق ماده ۴۳، کنوانسیون ناقض مقررات حقوق بین المللی بشر دو ستانه از جمله کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های ضمیمه ۱۹۷۷ نخواهد بود.

۲،۱،۲ عدم بازداشت مخفی

بازداشت مخفی یکی از مصادیق اصلی ناپدید سازی اجباری تلقی می گردد. ماده ۱۷ کنوانسیون مقررات جامعی را به شرح زیر در جهت منع بازداشت مخفی در بردارد. بند ۱ ماده ۱۷ مقرر می دارد که: "هیچکس نباید در بازداشت مخفی نگهداری شود." بند ۲ ماده

۱۷ کشور های عضو را متعهد می نماید در صورت اقدام به محرومیت از آزادی افراد، شرایط و ضوابط متعددی را در مجموعه قوانین خود بگنجاند. این شرایط به اختصار عبارتند از:

(الف) شرایطی را که بر اساس آنها دستورهای محرومیت از آزادی ممکن است داده شود، تعیین کند؛

(ب) مقاماتی را که مجاز به دادن دستور محرومیت از آزادی هستند، مشخص کند؛

(ج) تضمین کند هر شخص محروم از آزادی باید منحصرأ در مکان های رسماً شناسایی شده و تحت نظارت، برای محرومیت از آزادی نگهداری شود؛

(د) تضمین کند هر شخص محروم شده از آزادی باید مجاز باشد با خانواده، وکیل، یا هر شخص منتخب خود، تماس و دیدار داشته باشد یا اگر خارجی است با مقامات کنسولی کشور خود، تماس بگیرد؛

(ه) دسترسی مقامات و نهادهای ذیصلاح را تحت ضوابط تعیین شده به مکانهایی که اشخاص در آنجا از آزادی محروم هستند تضمین کند؛

(و) تضمین کند اقوام شخص محروم از آزادی، نمایندگان یا وکلای آنان، در همه شرایط، حق داشته باشند در دادگاهی دادخواهی نمایند.

علاوه بر تعهد کشورها بر وضع قوانین به شرح فوق در راستای تحقق اهداف مندرج در بند ۲ ماده ۱۷، بند ۳ این ماده مقرر می دارد "هر کشور طرف باید از تهیه و نگهداری یک یا چند دفتر ثبت رسمی که تازه ترین اطلاعات و یا سوابق اشخاص محروم از آزادی در آن ثبت شده باشد، اطمینان حاصل کند. ... حداقل اطلاعاتی از قبیل، هویت شخص محروم از آزادی؛ تاریخ، زمان و مکانی که شخص موردنظر از آزادی محروم شده؛ هویت مقامی که این شخص را از آزادی محروم کرده؛ مقامی که دستور محرومیت از آزادی را داده؛ مکان محرومیت از آزادی، تاریخ و زمان ورود به مکان محرومیت از آزادی و کلیات مربوط به حالت سلامت شخص محروم از آزادی باید در این دفاتر ثبت گردد.

۲،۲ جرم انگاری ناپدید سازی اجباری

کنوانسیون کشورهای عضو را متعهد می سازد تا اقدامات ضروری را برای کسب اطمینان از این که ناپدید شدن اجباری براساس قانون کیفری آن ها جرم به حساب آید، انجام دهند (ماده ۴ کنوانسیون). به عبارت دیگر کشورهای عضو موظف می باشند در صورت نیاز، از طریق قانونگذاری خلا قانونی را در این خصوص پر نمایند. جزئیات بیشتری در خصوص جرم انگاری در معاهده به شرح زیر طرح گردیده است:

۱. اعمال گسترده یا سازمان یافته ناپدید شدن اجباری، آن گونه که در حقوق الملل تعریف شده، جنایت علیه بشریت به شمار می آید و باید همان پیامدهای ذی ربط در حقوق بین الملل قابل اعمال را داشته باشد. (ماده ۵ کنوانسیون)

۲. ماده ۷ مقرر می دارد که هر کشور طرف کنوانسیون باید جنایت ناپدید شدن اجباری را با تعیین مجازات های مناسب که نشانگر حداکثر جدیت آن باشد، قابل پیگیرد و تعقیب و مجازات نماید و نیز می تواند شرایط مخففه و مشدده را تعیین نماید.

بنابراین در راستای اصل مبنایی قانونی بودن جرم و مجازات، ماده ۴ کنوانسیون تأکید دارد که دولتها باید جرم ناپدیدسازی اجباری را در قوانین کیفری خود بگنجانند و از قربانیان این جرم حمایت های لازم را به عمل آورند. هیچ حکم یا دستور دولتی و غیردولتی نمی تواند مجوزی برای ارتکاب ناپدیدسازی اجباری قرار گیرد (بند آخر ماده ۶). همان طور که پیشتر گفته شد، همه افرادی که به نوعی در انجام این جرم دست دارند، محاکمه و مجازات شوند و با توجه به شدت عمل انجام شده، مجازات متناسبی را با آن تعیین کنند (بند اول ماده ۷)

دولتهای عضو کنوانسیون باید مواعد مرور زمانی موجود در قوانین آیین دادرسی کیفری خود را در خصوص جرائمی با چنین شدت ارتكابی، برای مدت طولانی تعیین کنند زیرا باید متناسب با اهمیت فراوان این جرم باشد و ماهیت مستمر آن در نظر گرفته شود. در ضمن، دولتها باید حقوق قربانیان ناپدید سازی اجباری را طی دوره مرور زمان با جبران خسارت موثر تضمین نمایند (ماده ۸).

۲,۳ پیگرد و محاکمه متهمین به جرم ناپدید سازی

ماده ۳ کنوانسیون بیان می دارد: "هریک از دولتهای عضو باید اقدامات مناسب برای تحقیق درباره اعمال تعریف شده در ماده ۲ که از سوی اشخاص یا گروه های اشخاص بدون اجازه، حمایت یا اطلاع دولت به عمل آورد و اشخاص مسئول را محاکمه کند."

۲,۳,۱ صلاحیت های شخصی و سرزمینی

ماده ۶ هر شخصی را که مرتکب ناپدید شدن اجباری می شود، دستور آن را می دهد، خواهان این کار می شود یا تحریک به ارتکاب آن می کند، برای ارتکاب به آن تلاش می کند همدمست است یا در آن مشارکت دارد، مجرم تلقی می نماید. پاراگراف ۲ ماده ۶ تصریح می نماید: "هیچ فرمان یا دستورالعملی از هیچ مقام دولتی، غیرنظامی، نظامی یا مقامات دیگر، نمی تواند برای توجیه جنایت ناپدید شدن اجباری مورد استناد قرار گیرد.

بر طبق ماده ۹ کنوانسیون، هر کشور طرف هنگامی که این جرم در هر سرزمینی تحت قلمرو و حوزه قضایی یا درکشتی یا هواپیمای ثبت شده در آن کشور رخ دهد؛ هنگامی که خلافکار از شهروندان آن باشد و هنگامی که شخص ناپدید شده از شهروندان آن باشد، صلاحیت قضایی خود را اعمال خواهد نمود.

۲,۳,۲ روشهای محاکمه

کنوانسیون در ماده ۱۱ سه روش را برای محاکمه افراد متهم به ارتکاب جرم ناپدید شدن اجباری در سرزمین تحت قلمرو قضایی کشورهای عضو معرفی می کند:

۱. شخص براساس تعهدات بین المللی کشور عضو به کشور دیگری مسترد یا تسلیم شود.

۲. به یک دادگاه بین المللی کیفری که حق قضاوت آن توسط کشور عضو به رسمیت شناخته شده تحویل داده شود.

۳. پرونده به مقامات ذیصلاح داخلی برای پیگیری قضایی تسلیم شود.

در صورت محاکمه متهمین در دادگاههای داخلی باید ملاحظاتی که در بند های ۲ و ۳

ماده ۱۱ بیان شده رعایت شود. از جمله اینکه با هر شخصی که در ارتباط با خلاف ناپدید شدن اجباری علیه او پرونده حقوقی تشکیل شده باید در تمام مراحل دادرسی رفتار بی

طرفانه تضمین شود. همچنین از محاکمه عادلانه و بی طرفانه در دادگاه یا هیات داوری دیصلاح، مستقل و بی طرفی که به طور قانونی تشکیل شده، برخوردار شود.

۲,۴ تضمین حقوق قربانیان

بر اساس ماده ۲۴، از نظر کنوانسیون "قربانی" یعنی شخص ناپدید شده و هر فردی است که به عنوان نتیجه مستقیم ناپدید شدن اجباری متحمل آسیب و زیان شده است. بنابر این خانواده شخص ناپدید شده نیز می تواند قربانی تلقی شود. گسترده تلقی نمودن مفهوم قربانی، در دیدگاه صاحب نظران نیز مورد توجه قرار گرفته است: یکی از جنبه های مخاطره آمیز جرم ناپدید سازی توانایی خاص آن در ایجاد دامنه و سعی از قربانیان علاوه بر شخص ناپدید شده می باشد. خانواده و دوستان شخص ناپدید شده و بعضاً دایره و سیعتر و حتی جوامع بشری قابلیت این را دارند که از این جرم آسیب ببینند و قربانی تلقی شوند. (McCrory 2007,557) در خصوص ناپدید سازی اجباری واژه « قربانی » به معنای فرد ربوده شده و هر فردی است که مستقیماً از این عمل آسیب می بیند. درواقع این عبارت هر دو قربانیان مستقیم و غیرمستقیم را در برمی گیرد (Vitkauskaitė, 2010, 209). درواقع، ارتکاب ناپدید سازی اجباری شبکه ای از قربانیان را ایجاد می کند؛ شبکه ای که از اشخاصی که مستقیماً موضوع این نقض حقوق بشری هستند فراتر رفته و به سایر افراد گسترش می یابد. (UN Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, 2013, para. 2). ماده ۲۴ حقوقی را به برای قربانیان ناپدید سازی اجباری پیش بینی نموده است که در مباحث آتی مورد بررسی قرار می گیرد.

۲,۴,۱ حقوق دسترسی به اطلاعات

بر اساس بند ۱ ماده ۲۴، هر قربانی حق دارد حقیقت مربوط به شرایط ناپدید شدن اجباری، پیشرفت و نتایج تحقیقات و سرنوشت شخص ناپدید شده را بداند و کشورهای عضو باید اقدامات مقتضی را در این زمینه انجام دهد. هر کشور طرف باید کلیه اقدامات مقتضی را به منظور جستجو برای یافتن اشخاص ناپدید شده، پیدا کردن محل نگهداری و آزادی آنان، و در صورت مرگ، پیدا کردن محل جسد، حفظ حرمت آن و بازگرداندن بقایای جسد انجام دهد.

۲,۴,۲ پرداخت غرامت

بر اساس بند ۴ ماده ۲۴، هر کشور طرف باید در نظام قضایی خود تضمین کند قربانیان ناپدید سازی اجباری حق داشته باشند غرامت و خسارت فوری، عادلانه و کافی بگیرند. بر اساس بند ۵ همین ماده، حق دریافت غرامت اشاره شده، خسارت های مادی و روانی و در صورت اقتضا سایر اشکال غرامت مانند موارد جبران خسارات، بازپروری، جلب رضایت (از جمله اعاده حیثیت و آبرو) و ضمانت های دال بر عدم تکرار را شامل می شود.

۲,۴,۳ اطلاع رسانی در خصوص قربانیان

کشورهای عضو دو تعهد عمده در خصوص اطلاع رسانی دارند. یکی تضمین دسترسی به اطلاعات و سوابقی که در دفاتر مذکور در بند ۳ ماده ۱۷ درج گردیده، و دوم تامین امنیت و عدم تعرض به افرادی که در پی اطلاعات می باشند. بند اول ماده ۱۸ مقرر می دارد:

هر کشور طرف، پیرو ماده های ۱۹ و ۲۰ باید به هر شخصی با علاقه مشروع به این اطلاعات، مانند اقوام شخص محروم از آزادی، نمایندگان یا وکیل مدافع آنان، تضمین دسترسی به حداقل اطلاعات که در بند ۳ ماده ۱۷ ذکر شده بود را بدهد

اما ماده ۱۹ محدودیت هایی را برای استفاده از اطلاعات کسب شده تعیین می نماید و مقرر می دارد:

۱. از اطلاعات شخصی، از جمله اطلاعات پزشکی و ژنتیک که در چارچوب جستجو و تحقیق برای شخص ناپدید شده جمع آوری و یا منتقل می شود، نباید برای مقاصد غیر از جستجو برای شخص ناپدید شده استفاده یا در اختیار دیگران گذاشته شود. این امر استفاده از چنین اطلاعاتی را در جریان دادرسی کیفری مربوط به جرم ناپدید شدن اجباری یا اعمال حق به دست آوردن غرامت شامل نمی شود.

۲. جمع آوری، عمل آوری، استفاده و ذخیره کردن اطلاعات شخصی، از جمله اطلاعات پزشکی و ژنتیک، نباید ناقض حقوق بشر، آزادی های بنیادی یا حیثیت انسانی یک فرد شود یا تاثیر نقض آنها را داشته باشد.

۳. سازگاری قوانین داخلی ایران با تعهدات مندرج در کنوانسیون

در این بخش، حقوق ایران با تعهدات فوق الذکر کشورها بر اساس کنوانسیون، مورد مطالعه تطبیقی قرار می گیرد. قبل از شروع بحث، لازم می باشد مطالب زیر ذکر گردد:

۱. ناپدیدسازی اجباری یک اصطلاح جدید حقوق بشری می باشد و در حقوق داخلی ایران، این عبارت وجود ندارد. ولی عبارات و اصطلاحاتی را می توان یافت که می توان به طور ضمنی آن را ناپدیدسازی تعبیر نمود.

۲. برای فهم و آگاهی از حقوق ایران در خصوص تعهدات کنوانسیون، باید دو محور و مبنای حقوقی مورد اشاره قرار گیرد. اول، مقررات و قواعد حقوقی که در قوانین و آیین نامه ها و بخشنامه های داخلی وجود دارد. دوم، تعهداتی که ایران بر اساس معاهدات و اسناد بین المللی پذیرفته است.

۳،۱ حقوق ایران و منع ناپدید سازی اجباری و بازداشت مخفی

اصطلاح "ناپدید سازی اجباری" یک عبارت جدید در حقوق بین الملل بوده و در ادبیات حقوق موضوعه ایران به کار نرفته است. اما با توجه تو صیف و بیان شاخصه های عبارت فوق در کنوانسیون منع ناپدید سازی، می توان ادعا نمود که برخی از این شاخص ها برای مقابله با ناپدید سازی، در حقوق ایران وجود دارد. همانگونه که در مبحث قبلی بیان گردید در ماده ۲ کنوانسیون، ناپدید سازی اجباری را تعریف می نماید.

حال با مد نظر قرار دادن عناصر و ویژگی های ناپدید سازی اجباری فوق الذکر، حقوق ایران در این خصوص مورد بررسی قرار می گیرد. برای این منظور، ابتدا قوانین و مقررات داخلی (قانون اساسی، قوانین عادی، و اسناد و مقررات دیگر) و سپس تعهدات بین المللی ایران مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۳،۱،۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی

قانون اساسی نظام اسلامی را مبتنی بر "کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسئولیت او در برابر خدا" می داند (اصل دوم بند ۶) و مقرر می دارد دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای "محو هر گونه استبداد و خودکامگی" و "تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت

قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون" به کار برد. اصل سی و دوم را می توان مهمترین اصل در ارتباط با موضوع نا پدید سازی قلمداد نمود که مقرر می دارد:

"هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند". در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و هفتم مقرر می دارد: "اصل، براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد." اصل سی و نهم قانون اساسی، هتک حرمت و حیثیت کسی را که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات می داند.

با دقت در اصول فوق می توان استنباط نمود که اصول قانون اساسی نه تنها با تعهدات بنیادین مندرج در کنوانسیون مقابله با ناپدید سازی اجباری، مغایرت ندارد، بلکه با مفاد این کنوانسیون همسو می باشد. به عبارت دیگر، هرچند قانون اساسی به جزییات وارد نشده ولی با این فرض که ایران بخواهد به کنوانسیون ملحق شود، مغایرتی با قانون اساسی نخواهد داشت.

۳،۱،۲ قوانین عادی

ماده ۱ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می دارد: "... صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلايق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود." ماده ۵ همین قانون اعلام می دارد: "اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند."

"قانون آیین دادرسی کیفری با اهتمام به ملاحظات حقوق بشری، محدودیت هایی را برای ضابطان، مطابق ماده ۴۴ قانون در نظر گرفته است. مطابق با ماده مزبور و ماده ۴۶، حق ضابطان بر تحت نظر قراردادن متهم با نهادن سه قید ایجابی تحدید شده است. اول: وجود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم؛ دوم: ارتکاب جرم مشهود از سوی متهم؛ سوم: محدودیت زمان تحت نظر به حداکثر ۲۴ ساعت. در واقع، نمیتوان ابتدا فرد را تحت نظر قرار داد سپس به جمع آوری ادله اقدام کرد. به عبارت دیگر نمی توان از متهم بعنوان وسیله ای برای جمع آوری ادله استفاده نمود." تجاوز از حدود یادشده مسئولیت کیفری ضابطان دادگستری را مطابق با ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (توقیف غیرقانونی) به دنبال خواهد داشت. " (مهرا، محمودیان، ۱۳۹۶، ۳۴۱)

بازداشت یا حبس مطلقاً باید منطبق با مقررات قانونی و توسط مقامات رسمی یا اشخاصی که برای آن هدف گمارده شده اند صورت گیرد. این رویه را که در برخی از کشورها نیروهای امنیتی علی رغم نداشتن اختیار و صلاحیت قانونی اقدام به توقیف اشخاص می کنند، منع می کند. همچنین مقامات صالح نیز تنها در حدود اختیار قانونی خود باید عمل کرده و استفاده از قدرت توسط ایشان باید تحت نظارت مقامات قضایی صورت گیرد. (شریفی، ۱۳۳، ۱۳۸۶)

از عبارات به کار رفته در قوانین فوق، از جمله رعایت قانون در بازداشت ها، منع بازداشت های اضافی و اطلاع یافتن خانواده دستگیر شدگان، می توان استدلال نمود که ناپدید سازی اجباری و بازداشت مخفی ممنوع می باشد.

۳،۱،۳ دیگر مقررات

منشور حقوق شهروندی حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض دانسته (ماده ۹) و اعلام می دارد: " آزادیهای فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمیتوان از این آزادیها محروم کرد. محدود کردن این آزادیها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می گیرد." (ماده ۱۲). منشور فوق همچنین مقرر می دارد: " هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادیهای مشروع شهروندان

و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد." (ماده ۱۳). منشور اعلام می دارد "حق شهروندان است که از بازداشت خودسرانه و بازرسی فاقد مجوز مصون باشند. هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خانواده و بستگان افراد در معرض اتهام و بازداشت ممنوع است." (ماده ۶۲)

علاوه بر منشور حقوق شهر وندی، ماده ۱۰ "آئین نامه اجرائی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه های انتظامی" مقرر می دارد:

مسئولین بازداشتگاه های انتظامی موظفند آمار و فهرست اسامی متهمین وارده به بازداشتگاه را با مشخصات کامل مندرج در برگ قرار و نیز سایر اقدامات مربوط به آنان از قبیل اعزام به بیمارستان، آزادی، انتقال به زندان یا بازداشتگاه های عمومی و یا موارد مشابه را به صورت روزانه و مطابق فرم های ارسالی از سوی سازمان در اسرع وقت به واحد آمار و رایانه اداره کل زندان های استان ارسال نمایند.

۳،۱،۴ تعهدات ایران بر اساس معاهدات بین المللی

بر اساس ماده ۹ قانون مدنی، تعهدات بین المللی پذیرفته شده توسط ایران در حکم قانون می باشد. اما بر اساس اصول و قواعد حقوق بین الملل، تعهدات بین المللی کشورها باید بر قوانین داخلی بر تری داشته باشد. بنا براین قانونگذاری ایران در حوزه های مختلف از جمله حقوق بشر و حقوق کیفری می بایست به طور معمول مطابق و همگام با تعهدات حقوق بشری پذیرفته شده توسط ایران باشد. حمایت در مقابل بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه در اسناد بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است. مهمترین سند بین المللی در این خصوص، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ می باشد که ایران عضو آن می باشد. بر اساس میثاق حقوق مدنی و سیاسی، "هیچ فردی را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد." (ماده ۶). "هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون" (بند ۱ ماده ۹). درباره کلیه افراد که از آزادی خود محروم شده اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد (ماده ۱۰). بنابراین هر انسانی از حق آزادی و امنیت فردی

برخودار است و نمی توان آزادی او را سلب کرد مگر به شیوه مقرر در قانون (قانونی که مبهم نباشد و ناقض سایر اصول و استانداردهای بین المللی نباشد و پس از صدور کیفرخواست توسط دادگاه صالح).

ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد که دولتهای عضو باید حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد-رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا سایر وضعیتها محترم تضمین نمایند و بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیرآن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق بعمل آورد.

۳,۲ جرم انگاری

یکی از تعهدات مندرج در کنوانسیون منع ناپدید سازی، جرم انگاری و مجازات متخلفین می باشد، که در حقوق ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. همانگونه که در مبحث فوق ذکر گردید، حقوق ایران مقررات متعددی در خصوص منع بازداشت خود سرانه ذکر نموده و تخلف از این مقررات را جرم تلقی می نماید. به عنوان مثال، اصل ۳۲ قانون اساسی شرایطی را برای بازداشت ذکر نموده و مقرر می دارد "متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود." اصل ۳۹ نیز "هتک حرمت و حیثیت کسی را که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات می داند."

بند ۱۵ قانون احترام به آزادی های مشروع نیز، رئیس قوه قضاییه را موظف می نماید در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعدت در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان از طریق مراجع صالح برخورد جدی نماید. در مبحث آتی پیگیری تخلف از حقوق بازداشت شدگان مورد بررسی قرار خواهد گرفت و واضح است که احراز تخلف فرع بر جرم انگاری می باشد. با این وجود جزییات جرم انگاری و میزان مجازات ها در حقوق ایران بیان نشده است.

۳,۳ نظارت و پیگیری تخلف از حقوق شهروندی

بند ۱۵ قانون احترام به آزادی های مشروع، رئیس قوه قضاییه را موظف می نماید تا هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای این قانون تعیین کند و اعلام می دارد این هیات

"وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعدت در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضاییه گزارش نماید. در جهت اجرای بند ۱۵ قانون "دستورالعمل اجرائی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی" به تصویب رسید. بر اساس این دستورالعمل، دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی در حوزه دفتر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. (ماده ۳).

بر اساس ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی، "گروه‌های نظارت و بازرسی می‌توانند با کلیه افراد بازداشت شده و زندانی و سایر افرادی که لازم بدانند، ملاقات و مصاحبه کرده و از پرونده‌ها، دفاتر و تمامی پیشینه‌های قضایی و اداری مربوط به موضوع رونوشت و تصویر تهیه کنند." و در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی از قبیل بازداشت غیرقانونی، رفتار خشنوت آمیز و تحقیر افراد باید بی‌درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کنند و مقامهای قضایی یاد شده مکلف به رفع اثر از نقض حقوق شهروندی می‌باشند (ماده ۱۴).

علاوه بر وظیفه نهاد های نظارتی و قانونی برای صیانت از حقوق ملت، حق هر شهروند برای دادخواهی مورد تاکید قرار گرفته است و امکانات و تضمیناتی مقرر شده تا هر شخص در صورت تضییع حقوق بتواند آزادانه در یک دادگاه علنی و بی‌طرف به حقوق دست یابد. به طور مثال، ماده ۱۴ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد که در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت، افراد باید با سهولت به مراجع و مأموران تأمین کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند و مراجع مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض که متوجه شهروندان شده است، اقدام مقتضی به عمل آورند.

۳,۴ حقوق افراد بازداشت شده

در قوانین ایران حقوق متعددی برای افراد بازداشت شده و متهم پیش بینی گردیده است که تا حد قابل توجهی مطابق با تعهدات مندرج در کنوانسیون می‌باشد. از جمله این حقوق، اطلاع یافتن از علت بازداشت، ارتباط داشتن با خانواده، انتخاب وکیل، تظلم خواهی و حق دریافت خسارت در برابر بازداشت ناروا می‌باشد.

۳،۴،۱ اطلاع یافتن از علت بازداشت و امکان تماس با خانواده

"در حقوق ایران، دفاع از حقوق متهم و شخص بازداشت شده، از همان ابتدا یعنی مرحله کشف جرم، مورد تاکید قانونگذار قرار گرفته است. از جمله استانداردهای حقوق بشری مندرج قانون قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در حمایت از حقوق متهم عبارتند از: ثبت هویت متهم (ماده ۱۹۳)؛ تفهیم اتهام به متهم و حق اطلاع دادن به خانواده و ارتباط داشتن با آن ها (ماده ۵۰). تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است (ماده ۹۴). همچنین به موجب ماده ۴۹، والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر متهم تحت نظر می توانند از طریق مراجع مزبور در این ماده از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند و در واقع پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، به موجب این قانون ضروری است." (جاوید، شاهمرادی، ۱۳۹۶، ۸۸)

بر اساس ماده ۶۳ حقوق شهر وندی: "حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاهها یا زندانهای قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره مند شوند."

علاوه بر قوانین و مقررات داخلی، میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می دارد: "هرکس دستگیر می شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دائر بهر گونه اتهامی که به او نسبت داده می شود دریافت دارد" (بند ۲ ماده ۹). و همچنین هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود حق خواهد داشت "در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می شود مطلع شود" (بند الف ماده ۱۴).

۳،۴،۲ حق بهره مندی از وکیل مدافع

از جمله تضمین هایی که برای حفظ حقوق فرد بازداشت شده و متهم لازم است و بند د ماده ۱۷ کنوانسیون ناظر بر آن می باشد، حق انتخاب وکیل مدافع و امکان تماس داشتن با وی می باشد. وقتی فردی به ارتکاب اعمال مجرمانه متهم میشود، ممکن است به علت عدم آشنایی و اطلاع کافی از حقوقش و نحوه ی برخورداری از آن ها، حقوق فردی خود را به عنوان متهم از دست دهد. در قانون اساسی و قوانین ایران به حق متهم به داشتن وکیل تاکید شده است.

اصل سی و پنجم قانون اساسی مقرر می دارد که: "در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد." ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به متهم اجازه می دهد در مرحله تحقیقات، یک وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد و این حق را قبل از شروع تحقیقات بازپرس باید به متهم ابلاغ و تفهیم کند و حتی اگر متهم احضار شود این حق باید روی برگه قید و به او ابلاغ شود. مطابق همین ماده وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم می داند اظهار کند و اظهارات وکیل نیز در صورت جلسه نوشته می شود. تبصره های ذیل ماده فوق نیز دارای ارزش حقوق بشری پیشرفته ای است. (ساقیان، ۱۳۹۳، ۶) قانون جدید آیین دادرسی کیفری برای اولین بار در نظام حقوقی ایران برای متهم حق داشتن وکیل را مطابق با ماده ۴۸ قانون مزبور در فرایند کشف جرم پیش بینی کرد. (مهرا، محمودیان، ۱۳۹۶، ۳۴۴). در منشور حقوق شهروندی نیز بر حق شهروندان بر داشتن وکیل تاکید گردیده است. (ماده ۶۳)

بر اساس ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، هر کس متهم به ارتکاب جرمی؛ شود حق خواهد داشت: "وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد." (بند ب) و "در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود." (بند د).

۳،۴،۳ حق تظلم خواهی و درخواست جبران خسارت

حق اعتراض به بازداشت و جبران خسارت متهمی که به ناروا بازداشت شده است بسیار مهم است. اصل سی و چهارم قانون اساسی به طور عام مقرر می دارد که "دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند. ...". اما به طور خاص، در مورد حقوق بازداشت شدگان، قانون آیین دادرسی کیفری جدید در هماهنگی با موازین حقوق بشری، در ماده ۲۵۵ جبران خسارت مادی و معنوی متهمان بی گناه را پذیرفته است. به موجب ماده ۲۵۵، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. افزون بر این، قانونگذار به منظور تسریع در جبران خسارت مدت بازداشت، درخواست رسیدگی به درخواست شخص بازداشت شده را به کمیسیون استانی تشکیل شده از سه دادرس دادگاه تجدیدنظر واگذار کرده است. (جاوید، شاهمرادی، ۱۳۹۶، ۹۸)

در اسناد بین المللی نیز صراحتاً در این باره صحبت شده است. بند ۳ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام می دارد هر دولت طرف این میثاق متعهد می شود که "تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود ...". بندهای ۴ و ۵ از ماده ۹ میثاق، در خصوص فردی که به طور غیرقانونی بازداشت شده است مقرر می دارد: "هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند." و "هر کس که بطور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) باشد حق جبران خسارت خواهد داشت." یکی دیگر از اسنادی که به حق جبران خسارت اشاره می کند، اصول اساسی و قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی، مصوب قطعنامه ۶۰/۱۴۷ عمومی مورخ

۱۶ دسامبر ۲۰۰۵، می باشد. بنا براین حقوق ایران در تطابق با بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیون در خصوص جبران خسارت می باشد.

در خصوص وضعیت جمهوری اسلامی ایران باید این مسئله را ذکر کرد که ایران به رغم حضور فعال در فرایند تدوین و تصویب پیش نویس نهایی کنوانسیون در سال ۲۰۰۵ توسط کارگروه ویژه کمیسیون حقوق بشر سابق، از امضای کنوانسیون خودداری کرده است. ایران در خصوص کلیت این سند و برخی مفاد پیشنهادی آن اظهارنظرهایی انجام داد که بررسی آن، دیدگاه ایران را در خصوص این کنوانسیون روشن می کند. کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر فعلی) کارگروهی را مامور نمود تا درخصوص تدوین نهایی کنوانسیون مقابله با ناپدیدسازی اشخاص، گزارشهای لازم را ارائه کند. در جلسه پنجم و پایانی کارگروه فوق (۱۲ تا ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۵)، گنجاندن مواد مختلف در سند پایانی پیشنهاد شد و دولتها نیز دیدگاه های خود را مطرح کردند. "ایران درمورد تعهد به جرم انگاری ناپدیدسازی اجباری در قوانین کیفری داخلی چنین اظهار داشت که اگر قوانین کیفری کشوری دارای مقرراتی درباره مجازات ناپدیدسازی باشد، تعهدی بر دوش دولتها برای جرم انگاری مشخص در خصوص ناپدیدسازی اجباری وجود نخواهد داشت." (عابدینی، ۱۳۹۶، ۱۸۸)

نتیجه

با تصویب "کنوانسیون بین المللی حمایت از کلیه اشخاص در برابر ناپدید سازی های اجباری" گام اساسی دیگری در جهت توسعه حقوق بشر و پرکردن خلاء موجود در حمایت کامل از افراد در مقابل ناپدید سازی اجباری بر داشته شد. حجم تعهدات، تنوع آنها و تکیه بر جنبه کیفری از جمله، تعهد کشورها بر جرم انگاری ناپدید سازی و محاکمه مرتکبین این جرم از ویژگی های کنوانسیون می باشد. در بیشتر معاهدات و اسناد حقوق بشری اغلب به ذکر حقوق افراد پرداخته شده بدون آن که چنین تعهداتی با جزئیات برای کشورهای عضو تعیین نماید. در برخی معاهدات حقوق بشری، مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بعضی موارد از جمله اخلاق حسنه و امنیت ملی می تواند اجرای برخی از این معاهدات را تعلیق یا الغا نماید؛ اما هیچ استثنایی مانند جنگ و امنیت ملی نمی تواند بهانه ای برای ناپدید

سازی گردد. در نهایت، کنوانسیون شیوه نسبتاً جامعی را برای حل اختلاف در خصوص تفسیر یا اجرای کنوانسیون پیش بینی نموده است.

مقاله با بررسی تعهدات مندرج در این کنوانسیون و مقایسه آن با حقوق ایران به این نتیجه می رسد که دیدگاه حقوقی صرف و با توجه به قوانین موجود در سیستم حقوقی ایران از جمله، قانون اساسی، قانون احترام به آزادی های مشروع و آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مانع جدی برای پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وجود ندارد. زیرا با بررسی صورت گرفته در این نوشتار روشن می گردد که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و مقررات جدید، همچون منشور حقوق شهروندی ایران و قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، در مواد متعددی همگام با استانداردهای بین المللی تکالیف گوناگونی متوجه ضابطان دادگستری به منزله اصلی ترین کارگزار دولتی مرحله کشف جرم نموده و حقوق متهم را در این مرحله توسعه داده است. گرچه درپاره ای از موارد با نارسایی ها و نواقصی رو به رو بوده است.

لذا بر اساس بررسی و مقایسه صورت گرفته در این تحقیق می توان نتیجه گرفت که در مجموع انعکاس تعهدات مندرج در کنوانسیون، در حقوق ایران مطلوب می باشد. لکن در پاره ای مفاد این قوانین و به طور خاص در خصوص جزییات جرم انگاری ناپدید سازی و لزوم حمایت های جامع از بزه دیدگان و مجازات عاملان این جرم خلاء حقوقی مشهود است بدین منظور برای پیوستن به این کنوانسیون باید ابزارهای قانونی و اجرایی لازم برای برآوردن تمام تعهدات کنوانسیون فراهم شود.

نکته حائز اهمیت این است هرچند مانع جدی حقوقی برای الحاق ایران به کنوانسیون وجود ندارد، اما اگر ایران قصد پیوستن به آن را داشته باشد، باید با دقت کامل تعهدات مندرج در آن را مورد مطالعه قرارداد و زمینه های اجرایی این تعهدات را با قانونگذاری مناسب فراهم نماید.

۱. احمدی نژاد، مریم، تحلیل حقوقی جنایت ناپدید سازی اجبرای اشخاص در حقوق بین الملل، به عنوان ناقض ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶
۲. بیگی، جمال، علی پور؛ هیوا، رویکرد اسناد بین المللی به حقوق بزه دیدگان جنایت ناپدید سازی اجباری، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۴، نیمسال دوم ۱۳۹۸
۳. جاوید، محمد جواد؛ شاهمرادی، عصمت؛ مطالعه تطبیقی تحولات حقوق بشری در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی، ۱۳۹۶، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۸
۴. ساقیان، محمد مهدی، تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۹۲، فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۳
۵. شریفی، علی، حقوق متهم در اسناد بین المللی، مجله کانون وکلا، ۱۳۸۶، شماره ۱۹۸ و ۱۹۹
۶. عابدینی، علی، کنوانسیون حمایت در برابر ناپدیدسازی اجباری و ضرورت پیوستن ایران به آن، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶
۷. فرجی ها، محمد، مقدسی، محمد باقر، ۱۳۹۲، معیارهای دادرسی عادلانه ناظر بر توقیف متهم، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره یک
۸. کاظمی، علی، بررسی ابعاد حقوقی مساله ناپدید شدن اجباری اشخاص، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۴. استاد راهنما: علی سادات اخوی استاد مشاور: یوسف مولایی
۹. مهرا، زسرین؛ محمودیان اصفهانی، کامران الزامات حقوق بشری کشف جرم در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶

۱۰. وروائی ، اکبر ؛ بهرامی پور ، رسول ؛ پراکوهی ، محمد احسان ، حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوق کیفری ایران، چاپ اول ۱۳۹۳، انتشارت بهنامی

ب : قوانین

۱۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۹۴۸

۱۲. آئین نامه اجرائی نحوه ایجاد ، اداره و نظارت بر بازداشتگاه های انتظامی، صادق

لاریجانی، مورخ: ۹۱/۱۲/۷

۱۳. بخشنامه ریاست محترم قوه قضائیه به مراجع قضائی ، انتظامی و اطلاعاتی کشور

در خصوص حقوق شهروندی) بخشنامه شماره ۱/۸۳/۷/۶ مورخ: ۱۳۸۳/۱/۲۰)

۱۴. دستورالعمل اجرائی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق

شهروندی، ۱۳۸۳/۸/۳۰ مصوب رئیس قوه قضائیه

۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱۶. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۱۷. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۱۸. ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب

مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۲/۱۵، تایید شورای نگهبان، مورخ: ۱۳۸۳/۲/۱۶

۱۹. منشور حقوق شهروندی ایران مورخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵

۲۰. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹۶۶.

21. - Anderson, Kirsten. "How Effective Is the International Convention for the Protection of All Persons From Enforced Disappearance Likely to Be in Holding Individuals Criminally Responsible for Acts of Enforced Disappearance?" Melbourne Journal of International Law, Vol. 7, 2006.

22. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment contained in the annex to its resolution 43/173 of 9 December 1988.

23. Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, adopted by the General Assembly of the United Nations in its resolution 47/133 of 18 December 1992 ,
24. Finucane, Brian. "Enforced Disappearance as a Crime under International Law: A Neglected Origin in the Laws of War", Yale Journal of International Law, Vol. 35, 2010, pp. 171-197.
25. General Assembly Resolution 33/173, 20 December 2006
26. General Assembly Resolution/61/177, 20 December 1978
27. <http://www.icaed.org/> سایت ائتلاف بین المللی علیه ناپدید سازی اجباری
28. http://www.mpepil.com/sample_article?id=/epil/entries/law-9780199231690-e778&recno=16&
29. Inter-American Convention on Forced Disappearance of Persons (done 9 June 1994, entered into force 28 March 1996) (1994) 33 ILM 1529.
30. International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, New York, 20 December 2006.
31. International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance 2006, GA Res. 61/177, 20 December 2006, A/RES/61/177; 14 IHRR 582 (2007).
32. Kumar Das, Jatindra (2016). Humam Rights law and Practice, Publisher: Phl Learning Pvt.Ltd, 1 Th Ed.
33. Max Planck Encyclopedia of Public International Law: Disappearance by Claudio M Grossman
34. Principles on the Effective Prevention and Investigation of Extra-legal, Arbitrary and Summary Executions, set forth in the annex to Economic and Social Council resolution 1989/65 of 24 May 1989 and endorsed

- by the General Assembly in its resolution 44/162 of 15 December 1989
35. Rome Statute of the International Criminal Court (adopted 17 July 1998, entered into force 1 July 2002) 2187 UNTS 90.
36. Susan McCrory, The International Convention for the Protection of all Persons from Enforced Disappearance, Human Rights Law Review, Volume7, Issue3, Oxford University Press, 2007, pp. 545-566.
37. - Trevino, A. Javier; (1996) The Sociology of Law, Classical and Contemporary Perspectives, St. Martin's Press, New York